

جایی کہ پیادہ روٹھووم می شہ

شل سیلو رستتاین
ترجمہ: حمید خادمی





انتشارات

کتاب پنجره

تهران - خیابان سهروردی شمالی - میدان شهید قندی - شماره ۱۹ - تلفن ۸۸۵۱۱۰۶۰

جایی که پیاده‌رو تموم میشه Where the Sidewalk End

اثر: شل سیلورستاین - ترجمه: حمید خادمی

فارسی و اصل انگلیسی

تیراژ: ۱۱۰۰

چاپ اول: ۱۳۷۸ - چاپ یازدهم: ۱۳۹۲

طراح گرافیک: محمد یراقچی با همکاری کورش پارسانژاد

حروفچینی و لیتوگرافی: موسسه فرهنگی کیان

چاپ: شمشاد / صحافی: فاروس

ناظر چاپ: مجتبی مقدم

ISBN: 978-964-92257-3-9

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۲۲۵۷-۳-۹

۱۵۰۰۰ تومان / کتاب پنجره

کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ و مخصوص ناشر است.

Silverstein, Shel. ۱۹۹۹ - ۱۹۳۲. شل، سیلورستاین.

جایی که پیاده‌رو تموم می‌شه / شل سیلورستاین؛ ترجمه حمید خادمی. —

تهران: کتاب پنجره، ۱۳۸۰.

ISBN 978-964-92257-3-9. ۲۰۰ ص. مصور.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

عنوان اصلی: Where the sidewalk ends:

the poems & drawings of Shel Silverstein

۱. شعر طنزآمیز آمریکایی -- قرن ۲۰ -- ترجمه شده به فارسی.

۲. شعر مثنوی آمریکایی -- قرن ۲۰ -- ترجمه شده به فارسی.

۳. شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از انگلیسی.

الف. خادمی، حمید، ۱۳۴۰ - مترجم. ب. عنوان.

۸۱۱/۵۴ | ج ۱

ج ۲ / ۳۵۶۳ / PS

الف ۱۳۷۸

۸۷-۲۲۹۴۷ م

کتابخانه ملی ایران

"رد پای فرشتگان"

(مادداست مبرم)

آنچه از رخای جان سیدرتین - این انسان شگفت انگیز - در دست ما ماند
رد پای فرشتگان است بر سپیدر که غنچه

عظیم تر جادو گنجینه ، بارها این جمله "نور بی فکر" - در مورد من نگزید ، هر چه که در کتاب
"مسافر (یا نثری)" کوچولو ، ترجمه آثار شمس ، نوشته شده است - در ذهنم گذشت چنین شد که
بجزرم اجازه این دخل و تصرف را دارم ، هر دو سر اینها ، من نگزیدم و سیدرتین ، شگفت انگیزند
در اینجا ، صفت خوب و حتی کلمی است این شگفت انگیز

نامه در پاسخ - این پرسش که "مهرین کتاب که در عترت خوانده است چیست ؟" گفتیم ، اگر می پرسید چه کتابی
را می خواند همه خوانده است ، آنکه در متن ترجمه می دارم ، "مکتوب شماره کوچولو من نگزیدم ، هر چه
که دست کرده بار من اصلی (فرانس) ، پیش از پنجاه بار ترجمه فارسی ، و یکی دو بار هم متن انگلیسی آن
را خوانده ام ، در مجموع این همه کتاب که همچون جوی نوری می رسند ، آیا صلاح است که یک کتاب به هر
پنجاه شصت کتاب را بگیرد ؟ شاید ، کمترین بار را می توان - یک بار خلاصه کرد ؟ مگر شعر مولانا ،
حافظ ، آراگون ، شمس ، و سایر دیگر را می توان فقط یک بار خواند ؟

آثار سیدرتین نیز چنین است ، مگر با هزار بار خواندن شمس ، چیزی را آنها یافت می شود که پیش از در
برده مانده بود ، بسیاری از نامه ها و سندها در حواشی جمع در نمی یابیم ولی اوله نامه اسرار ، خوده اسرار ،
پرنده اسرار ، و هرگونه برودت زندگی ، سردها می براید ، "زلف تر از خواب ازلال تر از آب"

ما چند نکته در مورد این آیه

عادت گفتی در این ماده عمدتاً در مقدمه گونه است قبلی (علافتان) ذکر کرده ام. در اینجا به برهمنی که گذار ،

بخبر راه مشترک است. انترت در بازی گرم

با سره زبان شماره را برگزیده ام ، که نشسته ام به سبک وفادار نام (الله لاهد نصاعتم) ؛ خاطر قافیه دار

سبک ، ناگزیر شده ام - رضی سطرها که در سطر اولم با یک علم (و مجموع آنها بسیار با چیز است) ؛ عنصر قافیه را

بیشتر اشعاره قدمت گرفته ام ، چون خوشتر عزیز چنین کرده است ؛ گاه لاقافیه ، فقط به شصت اولی

با یک سطرها بسته کرده ام ؛ دست آخر الله سیدتین چیز افزون بر نحو نعرها در یک - نوشته است ، در نتیجه

آیه ترصیع و بانوشت به چشم می آید ، هلمگی از متر علم است

نیز اینکه در این ترجمه رضی اسامی خاص را عوض کرده ام ، تا عرض خود بعضی اسامی را آنها به خاطر قافیه برگزیده ام

در نزد این گروه مولود به قافیه اندیشیدم ، و چون آنکه در معنا تقریبی کنم ، آنها نام را عوض کردم ، مثلاً

سکرم به راه - بن یاد است بالا هکتور راه به کارش

رضی اسامی را نیز بار معنای فارسی دارم ، و گاه به صورت نام ها در سطرها سیدتین ، خود برابر فارسی برستم

به این است : که گزیده ، جیل جیلو لفته چو ، فیروزش گزیدبان و چرا آنها ، به عنوان مثال اخوان

عری در متن اصلی چنین است : Tickle me, Pickle me, Tickle me too ؛ به معنای تفتکم بره ،

رش ام میلند ، و کجیب به من ، که نام به شخصیت است ، در اینجا باید به معنای کردن حرف گفتنی گرم

پس - رسال چیز در فارسی گشتم که لاهمین است باشد ، اره و ادره و شمسی کردن ، نخستین معادله بود که به ذهن

رسید و که خط خورد چون در مجموع بار معنوی مثبتی داشت ؛ پس از آنکه همین چیز به ذهن رسید ، دانش ده

دانش ده و صد عمر دانش ده ، و آن هم به دلایلی که ذکرشان کردم ، در اولی که خط خورد است ، آخر چنین

چیز ترصیع قدم ده ، اندم ده ، طالع بلندم ده ، بهر ، آنها را به عنوان نمونه ذکر کردم

به گفته امیران که کم و زکریه را گرفته ام گفت و انهم! و آن تشکر که از است که - نوری باری ام گفت
 چشم ، بعد انصاری ، با نهایت عجز تشکر من است ، من با یک کلمه سر لاده او ، احساس خود را گفته ام ، آ
 یک لاله خندان ، دست دیگر که شاد و پندش نباشد که نامش در اینجا بیاورد ، که بران تو چینی است ، که او
 هر دو ترجمه (گفته میفرود ، و با اعداد) - اصرار اوست ، و من شرم می آید که در آغاز ، این زهنی را که بر سر
 شست ، بنامم (لذت این ترجمه را می گویم) ، و او با پس نکند .
 گفته آخر این ترجمه چند نفر را - این آن پیشکش کردم ، نه نام چنین اهواز را داشته ام ، یا نه ، چرا که آفرین
 اینجا بگردان است ، و من در بهترین حالت ، آنها ترانه ام بخشی از اینها که شاد را دانگویم . در نتیجه ، این را
 می افزایم که ، سهم ترجمه ای ، من پیشکش آنان باد .
 سخن ، بر خلاف گوشت صفت آراستگی ، به اوله اکسید ، و یک کبر سینه سخن نگفته ماند ، این را هم میگویم که آنقدر
 در ترجمه شکر این است - به قافیه اندیشیدم - در همین باب است نیز چند جمله - آن اشاره کردم ، که کلام آخر
 را می توانم جز این گویم - باید برم .

گودم صدش جز در بدین	... قافیه اندیشم دلداری من
قافیه دولت تو به در پیش من	خوش شین از قافیه اندیش من
صرف چه بود ، خار دیوار در آن	صرف چه بود تا تو اندیشی از آن
تا که این هر سه با تو دم زدم ... (مولا)	صرف دعوت گفت با هم زدم

بند و فرخین گون با هم

عصر

دعوت

اگر اهلِ خیالید، بیایید،
 اگر اهلِ خیال و دروغ و آرزوید،
 اگر اهلِ دعا و دعا،
 اگر اهلِ خریدِ سحرآمیزِ لوبیایید...
 اگر اهلِ امیدید،
 یا اهلِ وانمودید، بیایید،
 کنارِ آتش من بنشینید
 لباسی از حکایت، زتار و پود زرین
 برای خود ببافید.
 بیایید!
 بیایید!



INVITATION

If you are a dreamer, come in,
 If you are a dreamer, a wisher, a liar,
 A hope-er, a pray-er, a magic bean buyer . . .
 If you're a pretender, come sit by my fire
 For we have some flax-golden tales to spin.
 Come in!
 Come in!

ناخدا قلابدست

ناخدا قلابدست باید یادش بمونه
که اصلاً پاش رو نخارونه،
ناخدا قلابدست باید مراقبت کنه،
که هیچ وقت دست توی بینی اش نکنه،
ناخدا قلابدست باید وقتی با آدم دست میده
آروم و ملایم دست بده.
ناخدا! باید حواستون رو جمع کنین،
موقع باز کردنِ قوطیِ ساردین؛
یا موقعِ گرگم به هوا، یا چایی ریختن،
یا صفحه‌های این کتاب رو ورق زدن.
من واقعاً خوشحالم، که مثل خیلی از آدمای نیستم -
ولی بیشتر از همه خوشحالم، که مثل این ناخدا نیستم.

CAPTAIN HOOK

Captain Hook must remember
Not to scratch his toes.
Captain Hook must watch out
And never pick his nose.
Captain Hook must be gentle
When he shakes your hand.
Captain Hook must be careful
Openin' sardine cans
And playing tag and pouring tea
And turnin' pages of his book.
Lots of folks I'm glad I ain't—
But mostly Captain Hook!



بند بازان

من که با قوزک پا
تاب می خورم رو هوا،
اون به زانوت می چسبه.
تو هم آویزون می مونی
با بینی
از یه بند
به بند خیلی بلند.
فقط یه چیز بی زحمت
- بی حرف پیش و منت -
وقتی تو هوا شناوری،
بپا که عطسه نکنی.

THE ACROBATS

I'll swing
By my ankles,
She'll cling
To your knees
As you hang
By your nose
From a high-up
Trapeze.
But just one thing, please,
As we float through the breeze—
Don't sneeze.



Where the Sidewalk Ends

poems and drawings by
Shel Silverstein



مجموعه حاضر دقیقاً مطابق کتاب اصلی به طور کامل به چاپ رسیده است.
ضمن اینکه در کنار برگردان فارسی، اشعار متن انگلیسی نیز چاپ شده است. به امید اینکه
خواننده محترم از هر دو نوشته - انگلیسی و برگردان فارسی - به یک اندازه بهره‌مند شود.



از شل سیلورستاین کتاب پنجره همچنین منتشر کرده است.
بالا افتادن، نوری در اتاق زیر شیروانی، دنیای دیوانه دیوانه



کتاب پنجره

ISBN-978-964-92267-3-9



9 789649 226739

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۹۲۲۶۷-۳-۹